

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران (توفان)

۳۱ دسمبر ۲۰۱۹

شعار "همه با هم" شعار ارتجاعی و درهم ریختن مرزهاست



اینروزها با سرکوب خونین اعتراضات مردم درآبان ماه ، بازار شعار همه باهم برای "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" و آلترناتیوهای رنگارنگ داغ شده است. پاره ای در قالب "سکولار وجمهوریخواه و شورای گذار" تجاوز امپریالیستها به عراق و افغانستان و سوریه و لیبیا را مورد تأیید قرار می دهند و خواهان "مداخله بشردوستانه" ناتو برای تغییر رژیم سیاسی درایران هستند. این خود فروختگان سیاسی خواب سناریوی لیبیا درایران را می بینند. پاره ای دیگر از آنها که ناسیونال شونیستهای آریائی هوادار بازگشت ضد انقلاب مغلوب در ایران هستند، می خواهند دلچک منتظرالسلطنه ای به نام رضا نیم پهلوی "صفر کیلومتر" را در ایران بر سر کار آورند و تاریخ را مجدداً به عقب برانند. "قهرمان ملی" آنها رضا خان میرپنج است. با الهام از ادبیات ایران باید گفت تفو بر تو چرخ گردون تفو.

پاره ای از این عده ناسیونال شونیستهای آذری و کرد و عرب هستند که خواهان تجزیه و بالکانیزه کردن ایرانند تا دست صهیونیستها و امپریالیستها درایران باز شود و خوراکهای کوچک قابل بلعی پیدا کنند. بسیاری از آنها از خروج بی قید و شرط استعمارگران از خاک عراق، افغانستان، سوریه، لیبیا و فلسطین حمایت نمی کنند و آرزو دارند اربابان امپریالیست بر مردم "نالایق" حکومت کنند. این عده که استقلال سیاسی و تمامیت ارضی سایر ممالک را به رسمیت نمی شناسند. آنوقت مدعی حمایت از استقلال و تمامیت ارضی ایرانند!!

جبهه هواداران سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جبهه وسیعی است که از کمونیستهای واقعی تا تافته های صهیونیسم و امپریالیسم را در بر می گیرد.

اپورتونیستها و نادانان و دشمنان مردم ایران خواهان آن هستند که این مرزها نامشخص باشد. آنها می خواهند وضعیتی به وجود آید که "همه با هم" و با نقاب در جنبش شرکت کنند. دستها رو نشود، کسی نتواند دست بغل دستی خویش را بخواند. آنها کار اجتماعی را با زد و بند و حقه بازی و کودتا و با دوز و کلک اشتباهی گرفته اند. بر این جبهه وسیع ضد انقلابی لیبرالیسم ناب حاکم است زیرا هر کس از ترس این که مبدا همسایه اش از دلخور شود از برخوردهای روشنگرانه که موجب دلخوریهای خانوادگی می شود پرهیز می کند. ولی این خلق ایران است که باید بهای این پرهیزها و "مهربانیها" را بپردازد. جنبش بیماری از "یاران سرنگونی طلب" به وجود می آید که هدفش علی رغم ادعایش سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست. مخدوش کردن خطوط است. فریب افکار عمومی است.

"سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" در اثر تکرار بدون تعمق، بتدریج به واژه ای بی محتوا بدل شده است. کمونیستها وظیفه دارند که همواره در رهبری جنبش گام بردارند و به جنبش برای پیشروی رهنمود دهند. شعار "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" و ضرورت تبلیغ آن، در شرایطی معنا و مفهوم پیدا می کند که مردم به این شعار روی بیاورند و بیان این شعار با هدف روشن کردن مرز میان موافقان و مخالفان آن صورت پذیرد. وقتی که مرزها مخدوش می شود باید همواره شعار را دقیقتر کرد. این تجربه بزرگ بلشویکها در انقلاب سال ۱۹۰۵ روسیه است و لنین در اثر بزرگش "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی" به آن برخورد کرده است. حتی روح الله خمینی نیز در راستای منافع طبقاتی خود به این مسأله توجه دقیق داشت. وی در آغاز کار مدعی بود که شاه قانون اساسی را رعایت نمی کند طرح شعار سرنگونی در گفتار اولیه وی مشهود نیست. وی در مورد حکومت بختیار سکوت کرد تا مردم در خیابانها با شعار "بختیار نوکر بی اختیار" به میدان آمدند و گفتند "ما میگیم شاه نمی خواهیم، نخست وزیر عوض میشه". آنوقت بود که با توجه به ارتقاء سطح جنبش و تمایل عمومی شعار "شاه باید برود" را پیش کشید. این شعار همان سرنگونی رژیم پهلوی بود. پذیرش این شعار از جانب سازمانهای سیاسی ایران دادن رهبری جنبش به دست خمینی بود. آن سازمانهای سیاسی که وظیفه رهبری خویش را فراموش کرده بودند تلاشی نکردند که مرز خویش را با هواداران خمینی و متحدینش روشن کنند. خمینی چپها نیز راه افتاده بودند و می گفتند "همه بحث ها به بعد از رفتن شاه"، زیرا با تعیین روشن مرزها که به زیر پرسش بردن امر رهبری آنها بود مخالف بودند.

در حالی که مرزها باید از قبل روشن شود و بر سر آن تبلیغ شود، در غیر این صورت مردم از کجا بدانند که چه کسی درست و یا اشتباه می گوید. کمونیستها نباید از این هراس داشته باشند که مردم حرف آنها را نمی فهمند و به صحت درستی شعار آنها پی نمی برند. این امر همواره در عرصه مبارزه وجود داشته و پیش خواهد آمد. در این صورت کمونیستها نبرد را تنها در یک عرصه باخته اند حال آن که از نظر ستراتیژیک جنگ را برده اند زیرا توده مردم در تجربه شخصی خود بتدریج به صحت شعار کمونیستها پی می برند و رهبری آنها را می پذیرند. طرح شعار نادرست و اپورتونیستی و بزدلی سیاسی نتایجش از قبل روشن است و هرگز به کسب تجربه درست توده ها و پیروزی جنبش منتهی نمی شود. در حالی که طرح شعارهای درست حتی در شرایط نامناسب و ناخوش آیند، خریداری و سرمایه گذاری در آینده است با تأخیر ولی به هر صورت با موفقیت به انتها می رسد.

حزب ما از همان روز نخست برای مرزبندی روشن با سلطنت طلبان و ضد انقلابی که خواهان رجعت شرایط گذشته بود هرگز شعار "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" را طرح نکرد. ما در ارگان مرکزی خویش "توفان" از "سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی" و در تکامل آن سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران سخن رانیدیم. ما با این شعار می خواستیم و می خواهیم به توده ها نشان دهیم که جنایتکاری این رژیم به سرمایه داری بودن آن نیز مربوط است و تنها نباید آن را ناشی از ایدئولوژی اسلامی حاکم بر این رژیم دانست. مگر

رژیم شاه اسلامی بود، مگر رژیم دونالد ترامپ، هیتلر و فرانکو و موسولینی اسلامی بودند. در حالی که رژیمهای جنایتکاری بودند و هستند. وجه مشترک آنها سرمایه داری بودن آنها می باشد. این شعار حزب ما جهت پیشرفت آینده را نیز نشان می دهد. ما به مردم می گوئیم که راه نجات بشریت و جامعه ایران در قبول سرمایه داری نیست، در پذیرش سوسیالیسم است. طبیعتاً این شعار ما جنبه ترویجی دارد و باید در تجربه عمومی مردم به شعار روز و خواست عمومی بدل شود ولی اگر ما چنین شعاری را مطرح نکنیم و توضیح ندهیم مردم از کجا بفهمند که چنین گزینه ای نیز می تواند برای آینده ایران مطرح باشد؟

امروزه اپوزیسیون بورژوائی وابسته به امریکا و اسرائیل شعار "همه با هم" را مطرح می سازد. شرط همه با هم بودن مخدوش کردن مرزهای تمایز است. در حالی که شرط همکاری و اتحاد عمل، روشنی بخشیدن به خطوط تمایز است. نخست باید دید تمایز ما در چیست تا وجوه مشترک معلوم و تعیین شوند. از ماستمالی و لاپوشانی گلستانی ایجاد نمی شود. "همه با هم" تنها قرص مسکن خود فریبی و کار امروز را به فردا افکندن است که همیشه به شهادت تجربه تاریخ به نفع مرتجع ترین نیروها تمام می شود. به نفع آن نیروهائی که از پشتیبانی تاریخی چهل و عقب ماندگی عمومی برخوردارند.

امروز امپریالیسم امریکا با تشدید تحریمهای غیرقانونی و تهدیدات نظامی و حمایت بیشمارانه از اپوزیسیون ارتجاعی ایران تلاش دارد به ایران تجاوز کند وضعیت عراق را در ایران برقرار سازد، ایران را تجزیه کند، جنگ شیعه و سنی و زردتشی و مسیحی و یهودی راه بیندازد، صنایع ایران را بمباران کند تا خودشان مجدداً با قراردادهای پر نان و آب آن را با بهره های کلان بابت سرمایه گذاریهای شان برای ما مجدداً بسازد، نفت و گاز و اورانیوم ایران را که منابع بزرگ انرژی هستند به غارت ببرند. مس سرچشمه را که دومین معدن بزرگ مس بعد از معدن مس چیلی است به عنوان فلز ضروری برای انتقال انرژی، کشتی کشتی می دزدند، آثار باستانی ایران را به موزه های لندن و پاریس و برلین، نیویورک و شیکاگو منتقل می کند. ولی امپریالیسم امریکا این بزرگترین تروریست دولتی جهان این نیت پلید و ضد انسانی خویش را در پس شعار "سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی"، "استقرار حقوق بشر و دموکراسی در ایران"، "مانعت از نقض حقوق اقلیتهای قومی و مذهبی"، "مبارزه با "مرکز تروریسم" و یا "قطب تروریسم" و یا "محور شرّ" و یا "اسلام سیاسی" پنهان می کند.... پس شعار "همه با هم" اپوزیسیون خود فروخته ایران جبهه وسیعی است که در آن دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاهو و بن سلمان ولیعهد عربستان نیز شرکت دارند.

هواداران این جبهه وسیع بدون مرز بیشتر مخالف ایران هستند تا مخالف جمهوری اسلامی. آنها می خواهند سر به تن ایران نباشد تا سر به تن جمهوری اسلامی، آنها می خواهند با از بین بردن ایران جمهوری اسلامی را نیز از بین ببرند. آنها چون به نیروی خود و نیروی مردم کشورشان اعتقادی ندارند، از انقلاب روی گردانیده و می خواهند با دست اجنبی ایران را "آزاد" کنند. این عده مبشران آزادی مردم ایران نیستند پیام آوران اسارت اند.

این عده چون از طولانی بودن راه مبارزه خسته شده اند و می ترسند انقلاب در زمان حیات آنها صورت نگیرد و آنها گمنام بمیرند شهرت بدنامی را به بی و سر و صدائی گمنامی ترجیح می دهند و تغییر رژیم جمهوری اسلامی در ایران را به عهده نیروهای خارجی گذاشته اند.

راه حل سیاسی در شرایط کنونی و همکاری و اتحاد عمل احزاب و سازمانهای اپوزیسیون تنها در بستر شفافیت بخشیدن صف دوستان و دشمنان انقلاب مردم ایران میسر است. این امر به نظر حزب ما ساده است و می تواند صف کسانی را که دست در دست امپریالیستها گام بر می دارند از صف نیروهای صمیمی جدا کند. باید هرگونه تحریم اقتصادی و مداخله نظامی را محکوم کرد و "سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را وظیفه مردم ایران دانست". با این

شعار روشن می شود که اپوزیسیون مترقی ایران که ضد جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی آن است حاضر نیست تجاوز امپریالیستها به ایران را بپذیرد. این اپوزیسیون روشن می کند که آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که وی طالب آن است با خواست امپریالیستها و صهیونیستها متفاوت است. این شعار دست امپریالیستها و صهیونیستها و پیروان منصور حکمت را در ایجاد افکار عمومی برای تجاوز به ایران و تهیه تائیدیه از اپوزیسیون ایران می بندد. این شعار ماهیت شعار "مجاهدین رجوی" و پیروان منصور حکمت را رو می کند. همه خواهند دید که این عده به همان شعار نخستین چسبیده اند، زیرا مشکیشان تجاوز امپریالیستها به ایران نیست مشکیشان جمهوری اسلامی است که سرنگونی اش را از امپریالیستها می طلبند. شعار "نه قم خوبه نه کاشون لعنت بهر دو تاشون" توجه آنها در کنار آمدن در جبهه واحد دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو و بن سلمان عربستان است. راهی را که آنها پیشنهاد می کنند راهی است که به ترکستان می رود.

رفقای حزبی ما و همه نیروهای انقلابی و دموکرات ایران باید در روشن کردن این مرزها کوشا باشند. نمی توان ادعای سیاسی بودن کردن ولی مسئولیت نپذیرفت. طرح شعار درست قبول مسئولیت درست است.

نقل از توفان الکترونیک شماره ۱۶۲ نشریه الکترونیک حزب کارایران دی ماه [جدی] ۱۳۹۸

www.toufan.org